

بخشش مال در نهایت ساده زیستی

بیش از سه ساعت انتظار ما برای آمدن حاج آقا، واقف فاطمیه، به سرانجام نرسید و ایشان نیز رفتند جلودور بین حاضر شوند اما به رسم ادب هم که شده، با هماهنگی همسرشان به خانه شان رفتیم. مردی آرام که تازه از سرزمین های کشاورزی اش رسیده و هنوز نفسش چاق نشده، در گنج خانه قدیمی اش با چهره گشاده و بس نجیبانه پذیرای ماست. اصرارهای ما همچنان ادامه دارد که او حرفی بر زبان آورد و بگوید چطور شد که با وجود زندگی معمولی اش، یک خانه ۱۵۰ متری را نذر کارهای فرهنگی بانوان و دختران محله کرده است.

تنها کلامی که بر زبان جاری می کند، این است: «کار برای خدا، توفیق است و اگر فکر می کنید ماکاری کرده ایم، اجازه دهید توفیق ادامه دار باشد».

دعا کردم خداوند لذت دنیا را از من بگیرد

اعتقاد قلبی اش این است که اگر دنبال رونمایی از کارهایت باشی، دیگر آن اثر حقیقی را نخواهد داشت. می پرسیم: «آرزویتان در زندگی چه بود؟ می گوید: تنهادهایی که همیشه در حق خودم کرده ام، این بوده که خداوند لذت تجملات و زندگی دنیوی را از من بگیرد و فکر می کنم همین هم شده است. دعا کنید که تا آخر هم توفیق داشته باشیم».

درباره علت نام گذاری این مکان فرهنگی به فاطمیه اشاره به جمعه ای می کند که از نماز جمعه به خانه بازمی گشته و هنوز از صحن مطهر حرم امام رضا (ع) خارج نشده، نام «فاطمیه» به ذهنش خطور کرده است. همسرش، لیلا خانم، می گوید: حاج آقا دلش می خواهد به زودی دیوار مشترک خانه و فاطمیه را هم برداریم و این فضا بزرگ تر شود.

وقتی ریشه این صبر و بخشندگی را پرس و جو می کنیم، خانم لیلا پارسا، ماجرای را برایمان بازگو می کند: «آن ها طبق عادت نمازهای صبح را در مسجد می خوانند. یک روز گویی هایشان را به شارژی زنند و به مقصد مسجد از خانه خارج می شوند. بعد از نماز، حاجی می رود که از زمین زیر کشتش خبر بگیرد و لیلا خانم برای تهیه صبحانه به خانه برمی گردد: «حوالی ساعت ۶ صبح بود. دیدم در خانه باز است و ماشینمان که ۶۰۶ بود، داخل حیاط نیست! آمدم با حاج آقا تماس بگیرم. دیدم هر سه گوشی تلفن همراه و دو دستگاه گوشی خانه و برخی وسایل برقی مان را تا جایی که در ماشین جامی شده، سرقت کرده اند. وقتی حاج آقا خودش را رساند، هیچ واکنش خاصی نشان نداد. خسارتی که دیده بودیم، در حدی بود که حتی برخی آشناها گفته بودند اگر این ها از فشار عصبی سکنه می کردند، طبیعی بود اما حاج آقا تنها حرفی که مثل همیشه زد، این بود که، هر چه خدا بخواهد، همان می شود».

لیلا خانم در همه سال های زندگی مشترک با حاج آقا از این برخورد ها از همسرش بانهش زیاد دیده است: «اینکه در مسیر رفت و آمد به مسجد با حس خوب، پسر بچه ها را برای اقامه نماز به مسجد دعوت می کند؛ آن ها هم به حاجی می گویند، شما بروید، ما بعد خدمت می رسمیم! یا ز در مسیر برگشت به خانه، حاج آقا به آن ها می گوید «من رفتم، اما شما نیامدید! یا در نمونه دیگری، مستأجری داشتند که هیچ سالی، حاج آقا برای تمدید و افزایش اجاره بهایش تماس نمی گرفت. معتقد بود اگر داشته باشند، خودشان اعلام می کنند. اما از طرف آن ها هم خبری نمی شد تا اینکه همسایه ها خبر آوردند فلانی خانه را تخلیه کرده و رفته است. آن موقع با حاج آقا رفتند، دیدند بلیه خبر، درست بوده و خانه با کلی تخریب خالی شده است».



سرش، با نذر «فاطمیه»
نودکان محله مهرآباد راه انداخته اند

سازمان کشم



محبوبه مقیمی، مربی قرآن

سرو صدای پسر بچه ها حالا با آمدن مربی قرآنشان، محبوبه خانم کمی آرام تر می شود. محبوبه خانم مقیمی سال هاست در حوزه آموزش قرآن فعالیت می کند و مادران همین بچه ها را هم خودش در زمینه روان خوانی و تجوید آموزش داده است.



او دانش آموزان دوره های تربیت معلم قرآن است و با مدرک تخصصی «کار با کودک» از تنها زمان های فراغتش برای آموزش قرآن به پسر بچه ها مایه می گذارد و فعالیت در فاطمیه را روزی خودش می داند و می گوید: آموزش به پسر ها کار هر کسی نیست و گاهی حتی مربیان مرد هم زیر بار نمی روند اما خدا را شکر که روند آموزش اینجا خوب پیش می رود. او از واقف فاطمیه به عنوان یکی از خیران بزرگ محله یاد می کند و می گوید: بانوان برای برنامه های فرهنگی شان همیشه در مضیقه هستند و فضای مساجد بیشتر در اختیار آقایان است اما با روشن شدن چراغ فاطمیه به دست حاج آقا عرب زاده و همسرشان خانم پارسا، حالا فاطمیه به پایگاه فرهنگی بانوان در محله تبدیل شده است.

خانم سالاریان، دلسوز اهالی محله

مهناز هدیه، مادر یکی از پسران شرکت کننده در دوره آموزش قرآن و زبان «فاطمیه» است. می گوید: کلاس ها مختص دختران است و پسر بچه ها فقط می توانند از این دو کلاس استفاده کنند. در غیر این صورت باید مسیری طولانی را برای رفتن به کلاس زبان طی می کردند و علاوه بر این هزینه های سنگینی هم به خانواده ها تحمیل می شد. به گفته مهناز خانم، از محرم سال گذشته، برویای بانوان و دختران محله به این مکان که «فاطمیه» نام گرفت، شروع شد. همه جشن ها، عزاداری ها و هر دورهمی ای که مربوط به فعالیت های فرهنگی زنانه است، در فاطمیه برگزار می شود و حال و هوای خانواده ها را متحول کرده است.



برگزاری انواع کلاس های آموزشی که اهالی درخواست کرده اند، از همان سال گذشته، برای متقاضیان برنامه ریزی و آغاز شد و امسال دومین تابستانی است که دختران و حتی پسران کمتر از پانزده سال، امکان شرکت در دوره های آموزشی مورد علاقه خود را دارند. او از خانه واقف که دیوار به دیوار، «فاطمیه» است، می گوید که برای هر مراسم و روضه ای، در آنجا هم به روی اهالی باز است و از هیچ خدمت و همراهی ای برای برگزاری امور فرهنگی بانوان دریغ نمی کنند.

مهناز خانم به مدیریت خانم سالاریان نیز اشاره می کند و می گوید: همه دوندگی های مربوط به برنامه های فرهنگی و آموزشی بر عهده خانم سالاریان بود و اگر تلاش او نبود، فاطمیه این قدر خوب سامان نمی گرفت. حقیقتا ایشان دلسوز اهالی محله است و با همین روحیه توانسته دختران نوجوان را جذب این مرکز فرهنگی کند.

